

## طرح مسأله

آیا دین کشف‌پذیر است؟ آیا تمام حقیقت دین، قابل دسترسی است؟ در صورت کشف‌پذیر بودن دین، منابع فهم دین چیست؟ آیا کشف حاق دین، از منطق مشخصی پیروی می‌کند؟ اگر کشف حاق و حقیقت دین و دین حقیقی ممکن و منطقی است، علل تنوع و تطوّر فهم دینی چیست؟ آیا تنوع و تطوّر فهم‌ها دستگاوآاره و بالجمله است یا فی‌الجمله؟ آیا تحوّل فهم دین عرضی و متعارض است، یا طولی و متکامل؟ آیا تکثر و تنوع فهم دینی، با نسبیت فهم دین ملازم است؟ آیا فهم‌ها به صائب و غیر صائب قابل تقسیم است؟ اگر چنین است سازوکار ارزش‌سنجی فهم‌های دینی چیست؟ و آیا پاسخ پرسش‌های فوق را باید از متن دین جست‌وجو کرد یا از بیرون دین؟ یا از هر دو طریق؟

دادن پاسخ درخور به این پرسش‌ها و پرسش‌های بسیار دیگری از این دست، ضرورت تدوین فن و دانش مستقلی را ایجاب می‌نماید که می‌توان نام آن را «منطق فهم دین» نهاد. برای ارائه پاسخ اجمالی به بیشتر پرسش‌های پیش

گفته، محورهای زیر باید مورد بحث قرار گیرد:

۱. تعریف اصطلاحات کلیدی.
۲. روش‌شناسی منطق فهم دین.
۳. پیش‌انگاره‌های کشف‌پذیری دین.
۴. شروط و شرایط پیشینی فهم دین، (صفات و صلاحیت‌های فهمنده).
۵. متدولوژی کشف دین.
۶. نقد نظریه «قرائت‌پذیر انگاری دین».
۷. ساز و کار ارزش‌سنجی فهم دین.

نگارنده طی سلسله دروسی به تبیین محورهای فوق پرداخته و اینک به منظور عرضه به پیشگاه اهل فضل و نظر، به صورت گزیده و در حد حوصله یک یادداشت کوتاه، چکیده و فهرست‌واره‌ای از آن دروس را تقدیم می‌کند و طرح تفصیلی آن را به مجال و مقالی مناسب وامی‌گذارد و امیدوار است دانشوران صاحب نظر، این مسوده را تنها به عنوان یک «طرح کار» تلقی فرمایند و از نقد و تذکارهای تکمیلی دریغ نوزند.

# فهم دین



علی‌اکبر رشاد

## تعریف اصطلاحات

اصطلاحاتی از قبیل دین، متن دینی (مقدس)، فهم دین، تفسیر، تأویل، هرمنوتیک، قرائت، معرفت دینی، زبان دین، منطق فهم دین، روش‌ها و رویکردهای تفسیر متون دینی (به ویژه قرآن) و... باید مورد بررسی قرار گیرد، اما در اینجا تنها در باب اصطلاحات «دین»، «فهم دین»، «قرائت‌پذیری»، و «هرمنوتیک» توضیح مختصری ارائه می‌شود.

۱. «دین» عبارت است از مجموعه گزاره‌ها و آموزه‌هایی که از سوی مبدأ هستی، برای تعریف مناسبات آدمی با خود، خدا، طبیعت و دیگر آحاد انسانی به انگیزه تأمین «کمال» و «سعادت» او، الهام و ابلاغ گردیده است.

۲. «فهم دین» عبارت است از کشف منطقمند گزاره‌ها و آموزه‌های دینی از منابع آن، آنچنان که هست. نسبت فهم دین با نفس دین، از سنخ نسبت علم و معلوم است. از این رو هر چند ممکن است در برخی موارد سعی برخی دین‌شناسان در باب فهم دین به خطا رود و در نتیجه از برخی عبارات دینی، چند برداشت پدید آید، اما این موارد در قیاس با برداشت‌های یکسان و سازگار، اقلی هستند، و نفس تحقق فهم‌های متکثر، دلیل حقانیت آنها نیست. فهم سره از ناسره نیز قابل تفکیک است.

۳. «قرائت‌پذیری» نیز به این معنی است که به علت نسبیّت معرفت انسان به جهت ساختار ذهن او و تأثیر تعیین‌کننده ذهنیت و شخصیت مفسر در فهم وی از سویی، و به دلیل صامت بودن متن، یا تاریخ‌زدگی آن، یا... از دیگر سو، متون (از جمله متون مقدس)، معانی متعددی را برمی‌تابند. تا جایی که از متون واحد، فهم‌های دستگاوآره‌ای متفاوت و احياناً متناقض صورت می‌گیرد و همه فهم‌ها نیز از حجیت و اهمیّت برابر برخوردارند.

۴. «هرمنوتیک» سرگذشت پرفراز و نشیبی را پشت سر نهاده و اکنون شاخه‌های متنوعی پیدا کرده است. یکی از آنها «هرمنوتیک متن» است. برخی نظریه‌های موجود در باب هرمنوتیک متن، مبنای قرائت‌پذیرانگاری دین است. هرمنوتیسین‌های متن به سه گرایش اصلی، طبقه‌بندی می‌شوند:

الف: مؤلف‌مداران که رسالت مفسر را «مرادکاوی» و

کشف مقصود مؤلف و متکلم، می‌دانند.

ب: متن‌مداران که تفسیر را «معنی‌ورزی» تلقی کرده و معتقدند متن، صامت و ناگویاست و یک اثر با قطع نظر از مراد مؤلف، معانی گوناگونی را تحمل می‌کند.

ج: مفسر‌مداران که معتقدند ذهنیت و شخصیت مخاطب و مفسر، در برداشت از متن نقش اول را بازی می‌کند و تا جایی علایق و سلیق مفسر در تفسیر متن، نقش‌آفرینی می‌کند. به طوری که گویی مفسر هر چه می‌گوید درباره خود می‌گوید. در حقیقت متن و مفسر جای خود را با هم عوض می‌کنند و «مفسر» به «مفسر» بدل می‌شود.

نکته شایان توجه این است که باید میان سه مقوله «مراد»، «معنا»ی استعمالی و «مفهوم» (یعنی معنا یا معانی متصور) از یک جمله یا کلمه، تفاوت قائل شد. این ادعا نیازمند شرح و تفصیل در خور است که باید در جای خود بدان پرداخته شود.

## روش‌شناسی منطق فهم دین

این بحث که «آیا بحث روش کشف دین را باید از متن دین کشف کرد یک مسأله برون دینی است؟»، از جمله چالش‌گاههای اساسی پیشینی دانش فهم دین است و مجالی فراخ و فراخور می‌طلبد و تفصیل آن به فرصتی مناسب موکول می‌شود و در اینجا صرفاً این نکته مورد اشاره قرار می‌گیرد که به نظر می‌آید. روش ترکیبی (درون دینی و برون دینی) توأمأ، اما مرحله‌ای طولی و حلقه‌ای و به نحو رفت و برگشت بین فهم اجمالی و تفصیلی، کارسازتر از مواجهه تک روشی با مسأله کشف دین و به احتمال قوی تنها روش صحیح و صواب است.

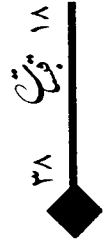
## پیش‌انگاره‌های فهم دین

کشف‌پذیری دین برساخته بر دو پیش‌انگاره اساسی است:

یکم: کشف و فهم دین لازم و ممکن است (اصل

فهم‌پذیری متون دینی):

۱. گفته شد: «دین مجموعه گزاره‌ها و آموزه‌هایی است



که برای هدایت آدمی به سوی «کمال» و «سعادت»، از سوی خدای حکیم فرود آمده است». اگر متون دینی قابل فهم نباشد، «لغویت» لازم می‌آید. از طرف دیگر کار لغو و بیهوده، قبیح است و ساحت متکلم حکیم از گرد لغو و بیهوده کاری به دور است.

توضیح اینکه:

**الف:** چون «عموم انسانها» مخاطب خدا هستند، زبان دین زبان عرفی است (عرف عام). مراد از عرفی و محاوره‌ای بودن زبان دین، عمومی و غیر تخصصی (غیر فلسفی، علمی، عرفانی، نمادین و...) بودن آن است، نه اینکه تابع زمان و مکان ویژه‌ای باشد؛ زیرا وابستگی و درآمیختگی زبان دین به زمان و مکان در حدی که فهم آن را در منطقه یا مقطعی دیگر - غیر از زمان و مکان نزول - مشکل یا ناممکن سازد، با غایت جاودانه و جهانی دین (اسلام) منافات دارد و لغویت لازم می‌آید.

**ب:** قرائت‌پذیری و امکان تعدد قرائت‌های دستگاوهاره، موجب تحیر آدمیان و نقض غرض رسالت و ملازم لغویت دین می‌باشد.

**ج:** همه فهم‌های مشربی (فلسفی، علمی، عرفانی و...) که خود، طرقتی موازی با معرفت دینی‌اند (لزوماً اسلامی نیستند)، هر چند ممکن است یافته‌های فراهم آمده از این طرقت، کلاً یا جزءاً، بر طرقت دینی منطبق باشند.

**۲.** عبارات متون دینی در مُراد شارع، یا «نص» است، یا «ظاهر» در آن و یا «مشابه». عقل و وجدان بر کشف‌پذیری و حجیت نص دلالت دارد، سیره عقلاء مبتنی بر حجیت و اعتبار «ظواهر» است (تا وقتی که خلاف آن ثابت نشده) متشابهات نیز غالباً به کمک نصوص و ظواهر (محکّمات) قابل فهم و تفسیر است.

**۳.** نصوص دینی نیز بر گویایی و فهم‌پذیری دین تصریح دارد، مانند:

**الف:** كِتَابِ أَحْكَمَتِ آيَاتِهِ ثُمَّ نُصَلَّتْ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ حَبِيرٍ. هود / ۱  
**ب:** فَمَنْ زَعَمَ أَنَّ كِتَابَ اللَّهِ مِنْهُمْ فَقَدْ هَلَكَ وَأَهْلَكَ. بحار، صفحه

**ج:** هُوَ كِتَابٌ فِيهِ تَفْصِيلٌ وَبَيَانٌ وَتَحْصِيلٌ وَهُوَ الْفُضْلُ وَ لَيْسَ بِالْهَزْلِ

و لَمَّا ظَهَرَ وَ بَطُنَ فَظَاهِرُهُ حُكْمٌ وَ بَاطِنُهُ عِلْمٌ، ظَاهِرُهُ انْبِئٌ وَ بَاطِنُهُ عَمِيقٌ، فِيهِ مَصَابِيحُ الْهُدَى وَ مَنَارُ الْحِكْمَةِ... إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ نُورٌ مُبِينٌ. پیامبر اکرم (ص)  
**۴.** قرآن (که متن اول و اصلی اسلام است) خود را به صفات «گویایی» و «رسایی» توصیف کرده است، از جمله:

**الف:** کتاب مبین: تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ. يوسف / ۱

**ب:** تبیان: نَزَّلْنَا عَلَيْكَ تَبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ. نحل / ۸۹

**ج:** کتاب نور: يَا أَهْلَ الْكِتَابِ... قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَ كِتَابٌ مُبِينٌ.

مائده / ۱۵

**د:** آسان: وَ لَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدْرِكٍ. فمر / ۱۷، ۲۲ و ۳۲

هد ناطق: وَ كِتَابٌ اللَّهُ بَيْنَ أَظْهُرِكُمْ نَاطِقٌ لَا يَعْزِبُ لِسَانَهُ. نهج البلاغه /

خطبه ۱۳۳

**۵.** لازمه توصیه‌های مکرر و مؤکد رهبران آسمانی به تمسک به متون دینی (قرآن و روایات)، فهم‌پذیر بودن متون دینی و حجیت نص و فهم آنها است:

**الف:** حدیث ثقلین: إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَ عَثْرَتِي...

**ب:** إِذَا التَّبَيَّسْتُ إِلَيْكُمْ أَلَيْسَ فَعَلَيْكُمْ بِالْقُرْآنِ. اصول کافی / جلد ۱.

ع ۸۸

**۶.** روش آموزی و قاعده گذاری رهبران آسمانی برای برداشت از متون مقدس، دلیل فهم‌پذیری و حجیت آنهاست.

**۷.** سیره رهبران آسمانی نیز مبتنی بر اجتهاد از متون و احتجاج به نصوص دینی بوده است.

**۸.** سیره عملی و ارتکاز ذهنی مسلمانان و غیر مسلمانان، بر تفهم و تفهیم محتوای متون دینی است و این حاکی از عدم تردید آنان در امکان فهم تعالیم دینی است.

**۹.** وضوح وجدانی فهم‌پذیری متون دینی (یعنی اینکه بالوجدان می‌یابیم که نه تنها ما، بلکه دیگران نیز هزاران آیه و روایت را علاوه بر آن که می‌فهمیم به صورت یکسان هم آنها را فهم می‌کنیم)، دلیل دیگر مفهومیت و حجیت آن است.

**دوم:** فهم دین روشمند است (اصل پیروی کشف دین از منطق مشخص):

**۱.** دین یک «حقیقت» مُنزل است و قطع نظر از عقیده و علاقه ما، دارای وجود است و فهم آن نیز به طور اتفافی یا به

حسب علایق و سلایق حاصل نمی‌شود؛ زیرا احتمال «مطابقت» فهم اتفاقی با نفس الامر دین، قریب به صفر است؛ کما اینکه حاصل تفسیر نیز مبتنی بر سلیقه ماست، نه حقیقت دین.

۲. متون دینی صراحتاً بر روشمندی تفسیر قرآن گواهی می‌دهند.

۳. روش‌ها و قواعد متعددی برای فهم دین، از سوی پیامبر اسلام (ص) و ائمه معصوم (ع) تعیین و تعلیم شده است از جمله:

الف: روش «تفسیر قرآن به قرآن».

ب: قاعده «ارجاع متشابهات به محکومات».

ج: قاعده «تقدم دلالت قرآنی بر دلالت روایی».

د: قاعده «تعادل و تراجیح» (روایات علاجیه).

۴. سیره رهبران آسمانی، مطالعه روشمند متون دینی بوده است.

۵. سیره عملی و ارتکاز ذهنی مسلمانان نیز حاکی از روشمندانگاری فهم دین است.

### شروط و شرایط پیشینی فهم متن دین

برای فهم دین، فهمنده باید صفات درونی و باطنی و صلاحیت‌های برونی و علمی بسیاری را تحصیل و احراز نماید تا درک او از دین ممکن و متقن باشد. از جمله این صلاحیت‌ها:

۱. داشتن بصیرت به هویت و حیانی و عقلانی دین و متن دینی.

۲. طهارت روح.

۳. تمحّص ذهن.

۴. «راسخ فی العلم» بودن.

۵. برخورداری از علوم ایهابی.

۶. تبخّر در کاربرد منطق فهم دین.

۷. اشراف بر کل متن و حیانی و مقدس.

۸. داشتن انس به مذاق شارع و آشنایی با مقاصد شریعت.

۹. شناخت سبک و ساختار زبانی دین.

۱۰. آشنایی با لغت عصر نزول آیات، و صدور روایات.

۱۱. آشنایی کافی با ادبیات عرب و علوم لغوی.

۱۲. آشنایی وافی با علوم نقلی.

۱۳. آشنایی کافی با علوم عقلی.

۱۴. آگاهی به زمان و آشنایی با دانش‌های دیگر، بر

حسب مورد.

چنانکه ملاحظه می‌شود هر یک از موارد چهارده‌گانه مذکور، نیازمند تفصیل و استدلال در خوری است، اما مجال محدود نوشتار حاضر اجازه تفصیل بیش از این را به ما نمی‌دهد.

### متدولوژی فهم دین (مثلثات)

زمانی فهم درست دین، می‌تواند محقق شود که شرایط شایان در سه مثلث، به شرح زیر حاصل آمده باشد:

الف: کاربست درست و درخور مثلث منابع:

توضیح اینکه از آنجا که «عقل»، «قرآن» و «سنت»، حجج الهی‌اند، باید در کشف و تبیین دین، به تناسب هر یک از این مثلث، به نحوی در خور استناد شود. در نتیجه، خوانش و سازواری مدلول این سه طریق و منبع، ضامن صحت و حجیت فهم دین است. (تلائم درونی هر یک از حجت‌ها نیز باید مد نظر باشد).

نکته شایان توجه این است که:

۱. باید مجموعه قواعد اصولی، در کاربرد عقل و استناد

به نقل (ثقلین) در مقام تفهیم دین مراعات شود تا درستی

برداشت تضمین گردد. (مانند توجه به اطلاقات و مقیدات،

عمومات و مخصصات، ناسخ و منسوخ، تعادل و تراجیح،

شرایط سند، صدور، دلالت و...، در استناد به آیات و روایات).

۲. چون هر سه طریق حجّتند، در صورت تعارض

مدلولات آنها، دلالت و حکم قطعی یکی، بر حکم ظنی

دیگری تقدم می‌یابد.

۳. در صورتی تعارض میان منابع سه‌گانه، واقعی و

پذیرفته است که کانون تعارض آنها از هر حیثی واحد باشد،

وگرنه حقیقتاً متعارض انگاشته نمی‌شوند:

در تناقض هشت وحدت شرط دان

وحدت «موضوع» و «محمول» و «مکان»

است و از سه بخش گزاره‌ها، دستورها (بایدها و نبایدها = احکام) و ارزشها (شایدها و نشایدها = اخلاق) فراهم آمده است. حاصل فهم ما در قلمرو دین، باید سازواره باشد، و فهم ما در هر بخشی نمی‌تواند ناقص بخش دیگر باشد.

نکات شایان توجه این‌که:

رعایت نکات پیش گفته در باب مثلث منابع، مثلث اطراف خطاب دینی و مثلث معارف، در چارچوب فرآیند دقیقی صورت می‌بندد که دانش فهم دین را سامان می‌بخشد (با توجه به بقای احتمال خطا، فهم‌ها به سه دسته: ۱- محقّ صائب ۲- محقّ حجت ۳- غیر محقّ غیر حجّت، تقسیم می‌شود).

### پیامدها و لوازم «قرائت‌پذیر انگاری» متن دین

۱. «قرائت‌پذیر انگاری»، خود قرائتی در باب هویت فهم متن و معرفت دین است و حداکثر و تنها برای معتقدان این دیدگاه، معنادار و حجت است.

۲. در صورتی که قائل به حجّت (و احیاناً صحت و حقانیت) قرائت‌های گوناگون از متن باشیم، باید نظریه رقیب قرائت‌پذیری انگاری یعنی فهم‌پذیر انگاری دین و حصر تفسیر صحیح و حق نیز که قرائت دیگری است حجّت و صحیح باشد. پس قرائت‌پذیرانگاری، خودشکن و پارادوکسیکال خواهد بود.

۳. کسی منکر امکان و تحقق فهم‌های متفاوت از سوی برخی در باب بعضی از مفاهیم دینی نیست، اما قرائت‌پذیرانگاران، با ذکر چند مثال موردی برای مدعای خود، با مغالطه «تعمیم قضیه جزئی»، کبرای کلی می‌سازند. ۴. مدعای قرائت‌پذیری دین، مستند به استقراء ناقص است و استقراء ناقص حجّت نیست. استقراء تام نیز یا ممکن نیست (زیرا مثلاً اثبات «عدم اصابت» فهم‌ها به نفس الامر دین، میسر نیست) یا خلاف مدعا را ثابت می‌کند و در نتیجه تنها فهم‌های محرز الخطا، نامقدس قلمداد خواهد شد.

۵. هرمنوتسین‌ها، (در فکر و فعل) دچار تناقضند؛ زیرا اگر چنانکه گادامر (که نظر او مدل شایع و مورد علاقه هواداران هرمنوتیک نسبت‌پرداز در ایران است) ادعا کرده



وحدت «شرط» و «اضافه» «جزء و کل»

«قوه» و «فعل» است و آن دیگر «زمان»

ب: نظر داشت معقول به شأن مثلث اطراف خطاب

دینی:

دین به عنوان یک بیان و خطاب، دارای سه طرف است: «آمر حکیم»، «مصحف ابدی» و «مخاطب مکلف». با پرهیز از افراط در تعیین سهم و شأن هر یک از سه ضلع این مثلث و با اجتناب از تفریط در نقش هر یک از عوامل سه‌گانه در شکل‌گیری معانی متون مقدس، و نیز با احتراز از جایگزینی نقش هر یک از اطراف پیام به جای دیگری، از هر کدام باید توقع نقش معقول خاص آن را داشت. علاوه بر این باید متوجه بود که آمر دین، «حکیم» است، متن دینی، «ابدی» است و مخاطب دین «مکلف» است و همه این‌ها دارای لوازم معقولی است که توجه بدانها فهم دین را میسر و مبرهن می‌سازد.

ج: احراز انسجام اضلاع مثلث معارف دینی:

دین یک مجموعه دستگاوواره و سازواره‌ای معرفتی

است: «هرگز نمی‌توانیم واژگانی را بیابیم که چیزی را به طور قطع بیان کند»، تفهیم و تفهیم غیر ممکن یا غیر مطمئن خواهد شد. پس خودشان چرا می‌نویسند؟ چرا سخن می‌گویند؟ چرا که برابر گمانه امثال گادامر، نوشتن و نوشتن، سخن‌ورزی و سکوت، باید برابر انگاشته شود.

۶. صامت‌پنداری متن و قرائت‌پذیرانگاری نصوص، انکار وجدان صریح و بدیهی روزمره محاورات آدمیان است. فهم‌های همیشگی و همگانی از متون دینی و غیردینی در میان جوامع بشری - که بسیار نیز می‌باشند - انکارپذیر نیست.

۷. قرائت‌پذیر انگاری، مخالف سیره عقلا است که با اعتماد به گویایی و معنادگی متون و محاورات و با اعتقاد به وجود مفاهیم بین‌الذهانی، به مراد، تفهیم و تفهیم، وضع و ابلاغ قانون، تدوین و تعلیم زبان و ادبیات، تألیف و ترجمه، نزاع و دفاع، و... می‌پردازند و گرنه رد و قبول‌ها و وفاق و نزاع‌ها، لغو یا محال می‌نمود و می‌بود.

۸. قرائت‌پذیر انگاری افراطی، چون منجر به تأیید دو فهم و دو معنای متناقض از یک عبارت یا کلمه می‌شود، مستلزم تن در دادن به اجتماع نقیضین است.

### ارزش‌سنجی فهم دین (سلبی و ایجابی)

برای تشخیص فهم‌های سره از ناسره و کشف آفات و آسیب‌ها، روشهایی را می‌توان به کار برد، از جمله:

الف: واریسی صفات و صلاحیت‌های فهمنده صفاتی که قبلاً ذکر شد:

۱. صفات و شرایط باطنی از قبیل داشتن بصیرت به هویت دین و متن دینی، طهارت روح، تمحّص ذهن، رسوخ فی‌العلم، برخوردارگی از علوم ایجابی.

۲. صلاحیت‌های علمی از قبیل تبحر در کاربرد منطق فهم دین، تسلط بر تمام متن، داشتن انس با مذاق شارع و مقاصد شریعت، شناخت سبک و ساختار زبانی متن، آشنایی با لغت عصر نزول و صدور، تبحر در علوم زبانی لفظی و ادبیات عرب، آشنایی کافی با علوم عقلی، آشنایی با علوم نقلی، شناخت زمان و آشنایی با برخی از دانش‌های

دیگر (بر حسب مورد موضوع مورد مطالعه).

ب: بازپژوهی و سنجش روشگانی فهم‌ها از راههایی نظیر:

۱. عرضه به منطق تفکر (علم منطق).

۲. ارزیابی از لحاظ صحت کاربرد منطق و قواعد فهم دین.

ج: سنجش‌های رهیافتی شرح شاخص‌های فهم دین و تبیین منطق نظام‌پردازی بسیار مهم است، که آن نیز به مجالی دیگر موکول می‌شود.

رهیافت‌های گوناگونی به متن حاق دین و دین حق و سنجش صحت فهم دینی وجود دارد. از جمله آنها می‌توان هشت رهیافت زیر را نام برد:

۱. سنجش از نقطه نظر تلائم برداشت‌ها و دریافت‌ها، با فطرت و عدم تنافر آن با طبع سلیم.

۲. عدم تعارض برداشت‌ها و دریافت‌ها، با احکام قطعی عقل.

۳. سنجش برداشت‌ها و دریافت‌ها، با سیره مستمره عقلاء (که مورد تنفیذ معصوم قرار گرفته است).

۴. سنجش برداشت‌ها و دریافت‌ها، با اصول جهان‌شناختی و انسان‌شناختی دینی.

۵. سنجش برداشت‌ها و دریافت‌ها، با مسلمات و محکّمات وحیانی.

۶. سنجش برداشت‌ها و دریافت‌ها، با مذاق شارع و مقاصد شریعت.

۷. سنجش برداشت‌ها و دریافت‌ها، با ارتکاز مسلمین.

۸. سنجش برداشت‌ها و دریافت‌ها، از نقطه نظر کارآمدی.

با عرض پوزش مجدد از خواننده فرهیخته، و ضمن اذعان موکّد به لزوم ارائه توضیح کافی در زمینه همه محورهای این نوشتار تکمیل و تفصیل بخش اخیر نیز به آینده موکول می‌شود که امید است حق حنّان توفیق عملی ساختن وعده‌ها را عطا فرماید!

\* در این نوشتار «فهم» به معنی «کشف» به کار می‌رود.